

تحلیل تعامل انسان با محیط پیرامون از بعد تأثیرات ادراک و رفتار در حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: مجتمع مسکن مهر مَکریان مهاباد)^۱

شاهرخ حسامی^۱، عباس صداقتی^{۲*}، سولماز بابازاده اسکویی^۳، اسداله شفیع زاده^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

۲. استادیار گروه معماری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (*نویسنده مسئول)

۳. a.sedaghati@iaurmia.ac.ir

۴. استادیار گروه معماری، واحد اسکو، دانشگاه آزاد اسلامی، اسکو، ایران.

۵. استادیار گروه معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۳/۹] تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۳/۱۲]

چکیده

بیان مسئله: حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به‌طوری‌که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. محیط از جنبه‌های کالبدی و اجتماعی به‌صورت توأمان ساخته شده است. انسان‌ها مکان‌های اطراف خود را خلق می‌کنند و مکان مستقل از انسان معنا ندارد.

هدف: تحلیل تعامل انسان با محیط پیرامون از بعد تأثیرات ادراک و رفتار در حس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی مسکن مهر می‌باشد.

روش‌ها: تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی بوده، جامعه آماری تحقیق ساکنین مجتمع مسکن مهر مَکریان مهاباد است. برای تحلیل داده از معادلات به روش تحلیل عاملی مرتبه دوم با نرم‌افزار Amos استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ساختاری نیازهای انسانی بیشترین تأثیرات را در ایجاد حس تعلق به مکان با ۰/۹۴۶ با تأثیر از ادراک و رفتار در تعامل انسان با محیط دارد و کمترین اثرگذاری هم مربوط به بعد تفسیری با اثرگذاری جمعی ۰/۵۳۱ می‌باشد.

نتیجه‌گیری: همه ابعاد مورد بررسی شده در تحقیق حاضر دارای تأثیرگذاری در ایجاد حس تعلق به مکان در تعامل انسان با محیط خویش است.

کلید واژگان: محیط شهری، ادراک حس تعلق به شهر، مسکن مهر، شهر مهاباد

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری شاهرخ حسامی با عنوان تبیین عوامل مؤثر بر عملکرد بالکن به عنوان فضایی نیمه‌باز از منظر سلامت روانی ساکنین و جامعه آپارتمان‌های مسکونی مجتمع مسکن مهر مَکریان مهاباد است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر به راهنمایی دکتر عباس صداقتی (نویسنده مسئول) و به مشاوره دکتر سولماز بابازاده اسکویی و دکتر اسداله شفیع زاده در حال اجرا است.

۱- مقدمه

از دهه ۷۰ میلادی، تفاوت مهم فضا به عنوان یک موقعیت جغرافیایی و ظرفی برای فعالیت‌های انسانی با مکان معنادار، توسط متخصصان جغرافیای انسانی [۱] مورد توجه قرار گرفت. به این ترتیب مکان، در پژوهش‌هایی مانند هویت مکان [۲]، دلبستگی به مکان و حس مکان نقش مهمی به خود گرفت؛ اما با توجه به افزایش جابجایی‌ها، مسئله جهانی شدن و اثرات آن، یکسان شدن فزاینده فضاها و از دست دادن تشخیص و تمایز فرهنگشان [۳] و همچنین گسترش ارتباط افراد با محیط مجازی در عصر دیجیتال انتظار می‌رود مکان‌ها در ارتباط با افراد، جایگاه با اهمیت خود را از دست داده باشند و پیوند مردم با آنها (مانند حس مکان، دلبستگی به مکان و ...) کاهش یافته باشد [۴]. امروزه برخلاف انتظار مذکور، شاهد آن هستیم که علیرغم افزایش تعداد نامکان‌ها، نه تنها مکان‌ها اهمیت و جایگاهشان را از دست نداده‌اند بلکه بررسی نتایج حاصل از صدها پژوهش نظری و تجربی گویای آن است که مکان همچنان موضوع و هدفی برای ارتباط افراد به خصوص ارتباط عاطفی به شمار می‌رود. تعدد و گستردگی پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر به این موضوع پرداخته‌اند شاهدهی است [۵]. بر این ادعا پژوهش‌ها در رابطه با مکان، زمینه‌های مختلف و گسترده‌ای شامل تئوری‌های تکاملی شناختی کاپلان‌ها تا تجربه زیست و پدیدارشناسی مکان را شامل می‌شود [۶]؛ و بخش عمده‌ای از این پژوهش‌ها به روشن کردن انواع ارتباطات موجود میان مردم و مکان‌ها اختصاص پیدا کرده‌اند. به بیانی دیگر می‌توان گفت ارتباط میان مردم و محیطشان بسیار پیچیده و چندبعدی است. مکان‌ها به‌طور کلی، چه خانه باشند، چه همسایگی یا یک فضای عمومی، فقط بستر فیزیکی و فعالیت‌های درونشان نیستند بلکه معانی و احساسات مردم در ارتباط با این بسترها را نیز شامل می‌شوند. در این میان، بدون شک می‌توان گفت معنا نقش بسزایی دارد و می‌تواند توجه بسیاری از قضاوت‌ها و رفتارهای افراد قرار بگیرد [۷]. بر همین اساس است که راپاپورت معتقد است که مردم نسبت به محیط پیرامون خود بر اساس معانی که آن محیط در ذهنشان تداعی می‌کند. با وجود اهمیت معنای مکان در شکل‌گیری و تداوم ارتباط فرد با مکان، معنای مکان در پژوهش‌های مربوط به مکان و ارتباط با مکان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است [۸]. از طرفی مسکن مهر طرحی بود برای خانه‌دار شدن قشر کم‌درآمد جامعه، اما از نظر کالبدی، اجتماعی و ... دارای مشکلات اساسی بود و این باعث پایین آمدن حس تعلق افراد به این مکان‌ها شد. راهکارهای عملی حس تعلق مکان در مسکن مهر عواملی مانند هویت، مالکیت، یادآوری خاطرات، ایمنی و امنیت، روابط همسایگی، خوانایی، رضایتمندی سکونت و آسایش و ... می‌باشد. بررسی فاکتورهای منتخب و ارائه راهکار طراحی حس تعلق مکان مسکن مهر عواملی مانند ویژگی‌های بصری، فرم و بافت، خط آسمان، ارتباطات جمعی و پویایی محله، تنوع فضایی، محصوریت فضا و ... می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش بر تعامل فرد با مکان و رفتارشناسی فرد با آن از بعد حس تعلق به مکان در مجتمع مسکن مهر مکریان مهاباد تمرکز می‌شود. معانی مکان، دلیل پیوند افراد با مکان را شرح می‌دهند؛ بنابراین با آگاهی از آنها می‌توان فهمید چرا افراد برخی مکان‌ها را ترجیح می‌دهند (یا نمی‌دهند) و یا دلیل دلبستگی آنها به مکان مورد نظر به واسطه کدام ویژگی در مکان است. بر این اساس می‌توان حمایت و پشتیبانی افراد از مداخله در فضاها را پیش‌بینی کرد و تعامل با مکان را تداوم بخشید؛ بنابراین برخی پژوهشگران، معانی مکان را کلیدی برای فهمیدن سیاست‌های مکان می‌دانند. در این زمینه اطلاعات نسبتاً کمی نیز در رابطه با مکان و ویژگی‌های مکان در این تعامل و پیوند، وجود دارد. به‌طوری که تمرکز بیشتر پژوهش‌ها بر این است که چه کسانی و

چقدر دل‌بسته به مکان می‌شوند. ضرورت پرداختن به این موضوع که افراد با چه چیزی از مکان ارتباط برقرار می‌کنند و به آن دل‌بستگی پیدا می‌کنند؛ و یا نوع رفتار فرد در آن محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند وجود دارد و باید به‌عنوان یک ساختار یکپارچه و بر اساس اصول نظری به آن پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

ترکمن و سهیلی (۱۴۰۰)، تحلیل تأثیر مفهوم بینابینیت در ارتقاء حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه های دوره قاجاریه، مسجد-مدرسه صالحیه شهر قزوین بیان می‌کنند که استفاده از مفهوم بینابینیت می‌تواند عاملی مؤثر برای ایجاد حس تعلق به مکان در فضای معماری باشد؛ زیرا امروزه مفهوم بینابینیت، در طراحی فضاهای معماری بسیار حائز اهمیت است تا با استفاده از آن بتوان در مکان‌های عمومی جدید پیوند بین انسان و مکان را قوی ساخت؛ تا درنهایت منجر به بهره‌برداری بهتر از محیط و تدوام حضور افراد در آن گردید [۹]. میرزامحمدی و همکاران، (۱۳۹۹)، در تحلیل طراحی و معماری مجتمع مسکونی پایدار با تأکید بر روان‌شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان در برج‌های آسمان تبریز، بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات کتابخانه‌ای و با توجه به اطلاعات گردآوری شده با استفاده از تکنیک پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آن‌ها، مشخص گردید میان طراحی مجتمع مسکونی پایدار با روان‌شناسی محیطی و حس تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد [۱۰]. رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)، در بررسی رابطه حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در ترک‌محله شهر ساری، مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت مردمی بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر در یک رابطه علی غیرمستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود [۱۱]. حاتمی خانگاہی و همکاران، (۱۳۹۹)، در مقایسه عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان در محلات جدید و قدیم شهر اردبیل نتیجه می‌گیرند که افراد در محلات قدیمی و جدید ابعادی از حس تعلق را به دست می‌آورند و ابعادی را از دست می‌دهند که در حالت ایده آل به‌منظور تجمع حداکثری عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان در یک محله، گام نخست شناسایی و قیاس عوامل بود که در این مقاله بدان پرداخته شد [۱۲]. سلطانی و همکاران، (۱۳۹۸)، در تبیین الگوی طراحی مسکن، بر مبنای معیارهای عینی حس تعلق به مکان از دیدگاه کاربران و طراحان در شهر کرمانشاه، نتایج حاکی از آن است که از نظر شهروندان شهر کرمانشاه مهم‌ترین معیار در شکل‌گیری حس تعلق در فضای مسکونی، "راحتی و انس با فضا" و بعد از آن "حضور نشانه‌های فرهنگی" و "سرزندگی و کیفیت بصری" می‌باشند، ولی از نظر طراحان، سلسله‌مراتب فضایی و نحوه دسترسی به آن "دارای بیشترین تأثیر است. این تحلیل بیانگر شکاف بین طراحان و کاربران است که می‌تواند با مطالعاتی از این دست به انسجام بیشتری برسد [۱۳]. دنازدی (۲۰۱۷)، در مطالعه از طریق یک رویکرد کیفی و بصری، چشم‌انداز و احساس تعلق به مکان و ارتباط با مکان‌های روزمره در تجربه برخی از مهاجران ساکن شمال شرقی ایتالیا نشان دادند که رابطه آنها با محل زندگی، هم بر اساس اقدامات عملی و هم پاسخ‌های عاطفی استوار است. "بعد عاطفی" منبع اصلی حس تعلق به مکان به حساب می‌آید: این امر به‌ویژه با معانی نمادین چشم‌انداز (منظره)، عمدتاً از طریق خاطرات مهم، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی تبیین می‌شود [۱۴].

مطالعات در رابطه بامعنی مکان، احساس تعلق به مکان و شخصی سازی در بین دانشجویان دانشگاه ترکیه که مبتنی بر نوع خصوصیات شخصی، اجتماعی و مکانی است، بر معانی و احساسات دانشجویان بر معنی در مکان و تفاوت های جنسیتی در مورد درک و ویژگی های مکان تأثیر گذاشته است [۱۵]. در مورد حس مکان و پایداری میراث فرهنگی در منطقه جورج تاون و ملاکا با استفاده از مفاهیم دل بستگی مکان، به بررسی عناصر "پیوند فرد-مکان" می پردازد [۱۶]. الگوی انتخابی برای بررسی عوامل تعیین کننده حس تعلق به مکان برای شهرک سازی مهاجران روستایی و شهری در چین نشان داد که هویت اجتماعی نقش مهمی در تعیین تصمیمات اسکان مهاجران روستایی و شهری ایفا می کنند. علاوه بر این، دستمزد، تحصیلات و بهداشت همچنین بر تمایل کارگران مهاجر برای اسکان در منطقه معین تأثیر می گذارد؛ بنابراین، برای ارتقاء شهرنشینی و حس تعلق به مکان در شهرک ها، سیاست گذاران باید به خواسته های ذهنی و تصویری مهاجران روستایی و شهری توجه کنند. تبعیض هویتی و نژادی را از بین برند تا تمایل آنها برای اسکان در شهرها را ترغیب و حس تعلق به شهرک ها بیشتر شود [۱۷]. تورسیچ (۲۰۱۹)، در ارزیابی شهر به عنوان یک فضای زیباشناختی، بیان می کند زیباشناسی مانند بسیاری دیگر از پدیده های اجتماعی، پدیدار می شوند، بدین معنا که به صورت مقوله هایی با کیفیت های متفاوت در هر مقیاس، متفاوت ظاهر می شوند [۱۸].

مبانی نظری تحقیق

مفهوم ادراک محیطی

نظام عصبی و ادراکی انسان، مسئول برقراری ارتباط بین وی و محیط زیست او است و به گونه ای اجتناب ناپذیر امکانات و محدودیت های خاصی را به همراه دارد [۱۹]. لذا نمی توان بدون توجه به فرایندهای درک و فهم محیط از جانب افراد و سازوکارهای مرتبط با آن نسبت به مداخله در محیط و طراحی آن اقدام کرد. به عبارتی همین درک و فهم کاربر است که در نهایت تعبیر و تفسیر وی را از محیط شکل می دهد و عمدتاً به شکل رفتار در محیط بروز می کند [۲۰]. انسان ها موجودات پیچیده ای هستند که قابلیت درک، تفسیر و عکس العمل هوشمندانه نسبت به مسائل پیرامون خود را دارند. لذا برای اینکه یک عینیت ویژه را به ذهنیت تبدیل نموده و آن را ملاک ارزیابی و رفتار خود قرار دهند لازم است از یک مرحله میانی به نام ادراک گذر کنند. ادراک، فرآیند سازماندهی و تفسیر اطلاعات حسی برای معنادار کردن آنها [۲۱] و معنا کلیه ذهنیت های یک محرک برای ناظر است [۲۲]. از طرفی هر پدیده، معنایی را در دو سطح اولیه و ثانویه از خود نشان می دهد که در سطح اولیه خصوصیات اصلی پدیده ها و در سطح ثانویه معنای نمادین آنها گنجانده می شود [۲۳]. از نظر ایتلسون ادراک دارای چهار بعد اساسی است؛ که در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. ابعاد ادراک چهارگانه ایتلسون [۲۴، ۲۵]

ابعاد	
شناختی	شامل فکرکردن، سازمان بخشیدن و ذخیره اطلاعات به دست آمده با حواس و تفکر است و به معنادرشدن محیط برای فرد کمک می‌کند.
احساسی	شامل احساساتی است که بر کیفیت ادراک محیط اثر می‌گذارد و در مقابل آن ادراک محیط بر احساسات فرد مؤثر است.
تفسیری	شامل معانی یا تداعی حاصل از تماس با محیط است. فرد در تفسیر تجربه حاصل از محرک‌های جدید محیطی و یافتن معنای خاطرات و اندوخته‌های ذهنی خود تکیه دارد.
ارزش‌گذاری	شامل ارزش‌ها و ترجیحاتی است که خوب‌ها و بد‌ها را می‌سازند. تصاویر ذهنی از محیط، نتیجه فرایندی است که طی آن تجربیات شخصی از محیط به همراه سیستم ارزشی هر شخص نقش عمده‌ای را به‌منزله پالایه در درک حرکات محیطی ایفا می‌کند.

مفهوم قابلیت محیطی

ریشه‌های اصلی مفهوم قابلیت در مدرسه روان‌شناسی گشتالت است [۲۶]. روان‌شناس آلمانی مکتب گشتالت «کورت کافکا» مفهوم «درخواست» و «دعوت‌کنندگی» پدیده‌ها را ارائه نمود. بر اساس این مفاهیم، اشیاء کیفیتی در خواست کننده و یا دعوت کننده دارند که ذاتی فرم آنها است. این واژه‌ها بعدها توسط «کورت لوین» روان‌شناس مکتب تعاملگرایی در قالب کلمه «شایستگی» ارائه گردید. مفهوم قابلیت جیمز گیسون مشابهت‌هایی با این مفاهیم دارد. ولی تفاوت اصلی مفهوم قابلیت با مفهوم شایستگی در این است که سودمندی اشیاء در نظر گیسون به نیازهای فردی بستگی ندارد بلکه همیشه به‌عنوان نیرویی بالقوه و مستقل از نیازهای انسانی در محیط بیرون قابل کشف است [۲۷]. لوین معتقد بود قابلیت‌های یک شیء عوض نمی‌شود و این نیازهای انسانی است که این قابلیت را در شیء ایجاد می‌کند. درحالی‌که گیسون بر این باور بود که قابلیت شیء است که چیزی را به اطراف و انسان‌ها پیشنهاد می‌کند. «تناسب» اصطلاحی است که توسط الکساندر استفاده شده است. با توجه به آنچه گفته شد استفاده کنندگان مختلف از یک اثر معماری در زمان‌های گوناگون قادر خواهند بود عملکردهای متفاوتی را از آن مبتنی بر خواست‌های خویش جستجو نمایند. بر این اساس فرم و فضاهای معماری فرصت‌های گوناگونی را برای رفتارهای آدمی فراهم می‌سازد به‌گونه‌ای که فضای ساخته شده لایه‌های عملکردی متفاوتی را به انسان آن هم بر اساس نیازهایش پیشنهادی می‌نماید [۲۸].

حس تعلق به مکان

اصطلاح "حس تعلق به مکان" اغلب با اصطلاحاتی از قبیل "هویت مکان" و "حس مکان" به‌صورت متناوب به کار می‌رود [۲۹]. در قلب هر یک از این مفاهیم، تمایل به درک روابطی که افراد با محیط خود دارند، به‌ویژه جنبه‌های عاطفی این روابط [۲]. بیشتر اندیشمندان و پژوهشگران از مفهوم عاطفی در مفهوم حس تعلق فضا آگاه هستند، اما آن نقطه‌ی گریزش است [۳۰]. حس تعلق به مکان را می‌توان به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن دانست [۳۱]. حس تعلق به مکان این است که در دل‌بستگی فضا یک تجربه اتصال طولانی‌مدت به یک منطقه جغرافیایی خاص وجود دارد که از نظر منطقه معنی دارد. شخصی که مدت طولانی در یک منطقه خاص زندگی می‌کند، احساس محبت و احساس دل‌بستگی را افزایش می‌دهد یا منطقه را جزئی از هویت خود می‌کند [۳۲-۳۳]. فضا به‌عنوان

هویت شخصی نشانگر اهمیت محیط کالبدی و فیزیکی است که خود هویت فرد را شکل می‌دهد [۳۴]. در ابتدا تئوری دلبستگی مکانی استاتیک در نظر گرفته می‌شود، اما با گذشت زمان این تئوری پویاتر در نظر گرفته و دائماً آمیخته می‌شود [۳۵]. سال‌هاست که عناصر تشکیل دهنده پیوند مکان مورد توجه محققان قرار گرفته است. در تعیین عنصر تشکیل پیوند مکان در محل متشکله از سه معیار استفاده می‌شود: از درون شخص، تعامل شخص با دیگران و تعامل با طبیعت [۳۶]. در روانشناسی محیطی، تعلق مکان به بررسی روابط شناختی و عاطفی فرد با محیط فیزیکی و اجتماعی می‌پردازد که نتیجه دلبستگی عاطفی و احساس علاقه و پیوند با مکان است.

در بسیاری از مطالعات عوامل شکل‌گیری حس تعلق به مکان در شاخص‌های کالبدی، ادراکی و عملکردی- فعالیتی مورد مطالعه قرار گرفته است [۳۷]. بعد کالبدی نسبت به توقعات و نیازهای کاربران فضا و نقش کالبدی حس تعلق در مطالعات فراوانی مورد ارزیابی قرار گرفته است [۳۸]. عناصر کالبدی با ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون و همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان با حس تعلق به مکان افراد رابطه مستقیم دارند. در بعد ادراکی، شناخت ابزاری است برای قضاوت و ارزیابی مکان به‌طوری‌که محیط با خوانایی و تمایز کالبدی، مکان مطلوب‌تر با شناخت بهتر افراد ایجاد می‌کند [۳۹]. بعد عملکردی- فعالیتی فرصت‌هایی که یک مکان برای رفع نیازها و اهداف فراهم می‌کند را نشان می‌دهد (پتانسیل یک مکان در ارضای نیازها و اهداف یک فرد) به این صورت که نوع فعالیت‌های مکان کسب معنا از مکان و زمینه پیدایش دلبستگی به مکان می‌گردد [۱]. حس تعلق به مکان عامل محکم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده کنندگان و محیط است که نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌هایی با کیفیت خواهد گردید [۴۰]. تمایل به طبیعت، عناصر طبیعی و زنده به‌طور وسیعی بر ارتباط کاربران با محیط‌های شناخت شده و حس تعلق به مکان ساکنان مؤثر است. بر این اساس و در نظر گرفتن رویکردهای مختلف به حس تعلق مانند رویکردهای معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی، عوامل تشکیل دهنده حس تعلق به‌صورت زیر است [۴۱، ۴۲]:

عوامل ادراکی- شناختی فردی

شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. به این منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد.

عوامل اجتماعی- فرهنگی

به همان نسبت که عوامل ادراکی شناختی فردی در شکل‌گیری حس تعلق به‌عنوان گام اولیه در این مسیر می‌باشند، نقش متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. در اصل همه انسان‌ها دارای نیاز اجتماعی هستند و در هرم نیازهای انسانی در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان می‌باشند.

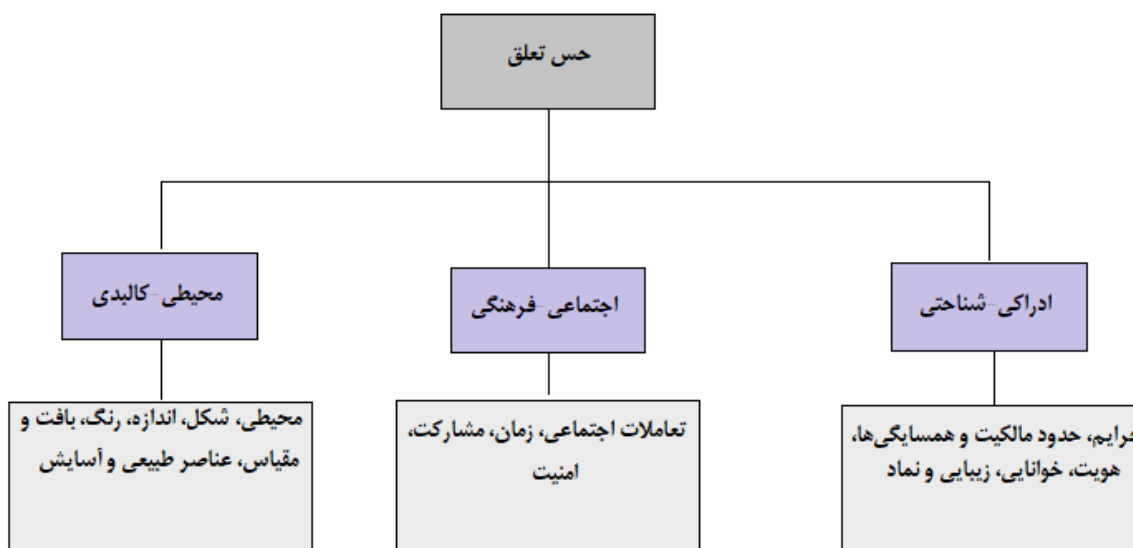
عوامل محیطی- کالبدی

این دسته از عوامل بر اساس نظریه مکان رفتار در روانشناسی محیطی، به دسته‌بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازند. فعالیت‌های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسان‌ها تعریف می‌کنند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌نمایند. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز

محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به‌عنوان ویژگی‌های فرم هر یک نقش مؤثر در شکل‌گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزاء کالبدی نیز عامل مؤثر دیگر می‌باشد.

جدول ۲. عوامل تشکیل دهنده حس تعلق به مکان [۱، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۴۲]

ابعاد	مؤلفه‌ها
ادراکی-شناختی	حرایم، حدود مالکیت و همسایگی‌ها، هویت، خوانایی، زیبایی و نماد
عوامل اجتماعی-فرهنگی	تعاملات اجتماعی، زمان، مشارکت، امنیت
عوامل محیطی-کالبدی	شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس، عناصر طبیعی و آسایش محیطی، کیفیت‌های فضایی، دسترسی و نفوذپذیری، کارکردها و فعالیت‌ها، مبلمان و تجهیزات



شکل ۱. عوامل تشکیل دهنده حس تعلق به مکان

روش‌ها

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و محتوای کاری، توصیفی و از نوع پیمایشی است. از طرفی این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است، زیرا اصول و فنون تدوین شده در تحقیق می‌تواند برای حل مسائل اجرایی و واقعی به کار گرفته شود و کاربرد عملی دارد. از نظر زمان نیز، از نوع مقطعی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو روش مصاحبه عمیق و پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت ساکن در مجتمع مسکونی مسکن مهر مکریان مهاباد است که برابر ۱۵۱۲ نفر می‌باشد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران بدست آمد که برابر با ۳۰۶ نفر شد.

$$n = \frac{\frac{Z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{Z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

n = حجم نمونه

N = حجم جمعیت آماری (حجم جمعیت شهر، استان، و...)

$tlz =$ درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب

$P =$ نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

$q (1-p) =$ نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

$d =$ در صد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول

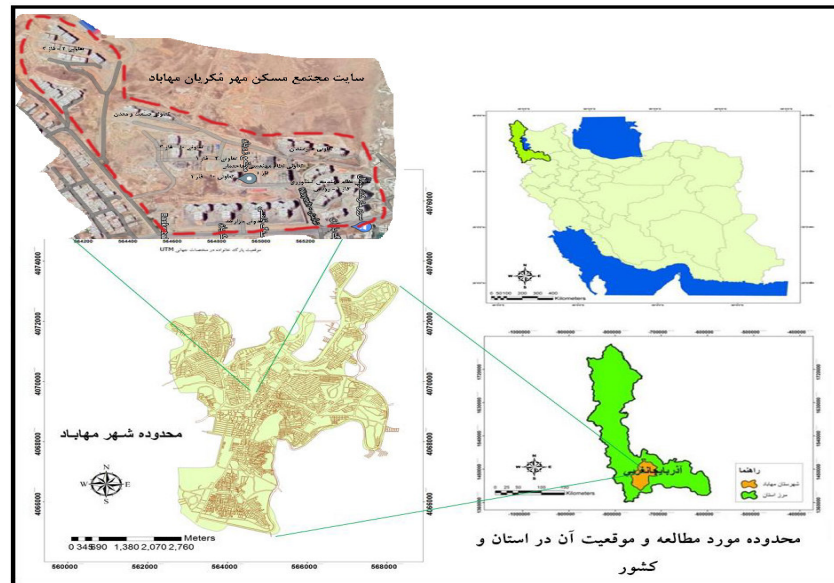
برای روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده استفاده شد. برای اندازه‌گیری حس تعلق به مکان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای تنظیم شده است. اعتبار محتوای پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید این حوزه بررسی گردید. جهت بررسی پایایی سؤالات، از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات بزرگ‌تر از ۰/۸۳ به دست آمد. با توجه به اینکه ضرایب آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از مقدار استاندارد است نتیجه گرفته شد که پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. ابتدا نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای آزمون سؤالات پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید نرمال بودن داده‌ها، از همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد. محاسبات در محیط نرم‌افزار SPSS و Amos انجام گرفت.

جدول ۳. متغیرهای تحقیق [۱، ۲۹، ۲۴، ۲۵، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۴۲]

متغیر	آیتم‌ها	کد
حس تعلق به مکان (ادراک-رفتار)	بعد شناختی	SH
	بعد ارزش‌گذاری	AR
	بعد احساسی	EH
	بعد تفسیری	TA
	بعد محیطی-کالبدی	MP
	بعد اجتماعی-فرهنگی	SC
	قابلیت محیط	CI
	نیازهای انسانی	NH

معرفی محدوده

مهاباد یکی از شهرهای بزرگ استان آذربایجان غربی می‌باشد. این شهر در جنوب استان و در دامنه رشته‌کوه (جبال) لندشیخان کوهستانی و خوش آب و هوا قرار دارد. مرکز آن شهر مهاباد است و با ارومیه که مرکز استان است ۱۴۱ کیلومتر فاصله دارد، شهرستان مهاباد در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده است اما شهر در جلگه و کوهستانی جنگلی قرار گرفته و ارتفاع جلگه از سطح دریا ۱۳۲۰ متر است. این شهر در ۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه و ۳ ثانیه شرقی نصف‌النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳ ثانیه عرض شمالی واقع شده و مساحت کل شهرستان ۵۶۰۰ کیلومتر مربع است [۴۳].



شکل ۲. موقعیت محدوده مکریان در مه‌آباد



شکل ۳. نمونه‌ای از مسکن مهر مکریان مه‌آباد

یافته‌ها

از کل نمونه مورد بررسی، ۴۳/۵ درصد زن و ۵۶/۵ درصد مرد هستند. ۳۰/۷ درصد مجرد و ۶۹/۳ درصد متأهل هستند. تحصیلات ۳۰/۱ درصد دیپلم و پایین‌تر، ۴۰/۵ درصد فوق دیپلم، ۲۰/۲ درصد لیسانس و ۹/۲ درصد فوق لیسانس و بالاتر است. سن ۸/۸ درصد ۱۵ تا ۲۴ سال، ۴۰/۲ درصد بین ۲۵ تا ۳۴ سال، ۲۹/۳ درصد بین ۳۵ تا ۴۴ سال، ۱۵/۶ درصد بین ۴۵ تا ۵۴ سال، ۶/۱ درصد بین ۵۵ تا ۶۴ سال.

برای متغیر حس تعلق به مکان و مؤلفه‌هایش، میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه شده به صورت جدول (۴) می‌باشد. نمرات در بازه ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده‌اند که میانگین حس بعد شناختی ۳/۷۵ است. میانگین بعد ارزش‌گذاری ۳/۲۵، بعد احساسی ۳/۴۵، بعد تفسیری ۳/۵۵، محیطی-کالبدی ۳/۳۵، بعد اجتماعی-فرهنگی ۳/۶۱، قابلیت محیط ۳/۲۱، نیازهای انسانی ۳/۳۳ است.

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی حس تعلق به مکان با اثرات ادراک-رفتار

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
بعد شناختی	۳۰۶	۳/۷۵	۰/۶۳	-۰/۳۹	-۰/۳۷	۱/۲۵	۴/۸۲
بعد ارزش‌گذاری	۳۰۶	۳/۲۵	۰/۷۱	-۰/۳۶	-۰/۳۲	۲/۶۵	۴/۷۵
بعد احساسی	۳۰۶	۳/۴۵	۰/۷۷	-۰/۶۶	-۰/۲۷	۱/۸۰	۴/۵۱
بعد تفسیری	۳۰۶	۳/۵۵	۰/۶۵	-۰/۴۳	-۰/۱۶	۱/۹۹	۴/۵۸
بعد محیطی-کالبدی	۳۰۶	۳/۳۵	۰/۶۹	-۰/۲۴	-۰/۶۷	۱/۴۳	۴/۵۵
بعد اجتماعی-فرهنگی	۳۰۶	۳/۶۱	۰/۷۴	-۰/۳۲	-۰/۶۱	۱/۲۵	۴/۶۱
قابلیت محیط	۳۰۶	۳/۲۱	۰/۸۵	-۰/۲۷	-۰/۷۳	۱/۱۱	۴/۳۷
نیازهای انسانی	۳۰۶	۳/۳۳	۰/۸۹	-۰/۲۱	-۰/۷۶	۱/۰۵	۴۹۲/۰۰

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد، که سطوح معنی‌داری متغیرها با توجه به جدول (۵) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بدست آمد، که نشان دهنده‌ی این است که تمام متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	تعداد	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری Sig	نتیجه
بعد شناختی	۳۰۶	۱/۱۴۶	۰/۰۸۶	تائید
بعد ارزش‌گذاری	۳۰۶	۱/۲۷۸	۰/۰۷۹	تائید
بعد احساسی	۳۰۶	۱/۲۱۴	۰/۰۸۲	تائید
بعد تفسیری	۳۰۶	۱/۱۱۴	۰/۰۷۱	تائید
بعد محیطی-کالبدی	۳۰۶	۱/۴۷۵	۰/۰۶۹	تائید
بعد اجتماعی-فرهنگی	۳۰۶	۱/۳۰۲	۰/۰۸۵	تائید
قابلیت محیط	۳۰۶	۱/۱۲۱	۰/۰۷۵	تائید
نیازهای انسانی	۳۰۶	۱/۴۱۱	۰/۰۹۳	تائید

برای بررسی روابط آماری بین مؤلفه‌های اثرگذار ادراک و رفتار بر حس تعلق به مکان در رابطه با تعامل بین انسان و محیط از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد نتایج نشان داد $P < ۰/۰۵$ و $P < ۰/۰۱$ معنادار هستند (جدول ۶).

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه حس تعلق به مکان و مؤلفه‌هایش

مؤلفه	SH	AR	EH	TA	MP	SC	CI	NH
بعد شناختی	۱							
بعد ارزش‌گذاری	۰/۵۱۴	۱						
بعد احساسی	۰/۳۸۹	۰/۵۰۹	۱					
بعد تفسیری	۰/۴۱۲	۰/۵۱۷	۰/۳۹۴	۱				
بعد محیطی-کالبدی	۰/۶۱۷	۰/۷۵۱	۰/۴۲۸	۰/۳۶۱	۱			
بعد اجتماعی-فرهنگی	۰/۴۱۹	۰/۵۹۶	۰/۳۲۷	۰/۲۹۵	۰/۳۱۲	۱		
قابلیت محیط	۰/۷۶۲	۰/۴۵۱	۰/۳۹۱	۰/۴۱۱	۰/۲۸۸	۰/۳۳۳	۱	
نیازهای انسانی	۰/۶۶۶	۰/۵۲۸	۰/۲۵۴	۰/۳۷۴	۰/۴۶۳	۰/۳۹۵	۰/۴۰۵	۱

شاخص‌های برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش

ماتریس کوواریانس ورودی شامل ۱۸ متغیر است که ۸ متغیر مشاهده شده و ۱۲ متغیر پنهان دارد. این مدل دارای ۴۱۲ گشتاور نمونه متمایز و ۹۱ پارامتر متمایز است که باید برآورد شود؛ بنابراین این مدل ۳۶۲ درجه آزادی دارد و از این رو شاخص برازش کای اسکوتر نیز محاسبه شده است که در جدول ۷ قابل می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد مدل به‌خوبی با داده‌ها برازش دارد. آزمون کای اسکوتر بیانگر برازش مناسب مدل با ماتریس واریانس-کوواریانس است. همچنین آماره‌های CFI, RFI, IFI, TLI و NFI که در جدول ۸ نشان داده شده است، همگی در سطح خوب و نزدیک یا بالاتر از ۰/۹ قرار دارند. مقدار RMSEA نیز کمتر از ۰/۱ است که همگی نشان‌دهنده برازش بسیار خوب مدل با داده‌های پژوهش است. در نرم‌افزار Amos 23 شاخص‌های CFI, NFI, RFI, IFI و GFI بر مبنای مقایسه کای اسکوتر مدل با کای اسکوتر مدل مبنا گزارش می‌شود که همگی این شاخص‌ها بین ۰ و ۱ قرار دارند و هرچه مقدار آن‌ها به مقدار ۱ نزدیک‌تر شود، بیانگر قابل قبول‌تر بودن مدل است. یکی از شاخص‌های عمومی برای به‌حساب‌آوردن پارامترهای آزاد در محاسبه شاخص برازش، کای اسکوتر به نجار یا نسبی است که از تقسیم مقدار کای اسکوتر بر درجه آزادی مدل محاسبه می‌شود. اغلب، مقدار ۲ تا ۳ را برای این شاخص قابل قبول می‌دانند.

جدول ۷: شاخص کای اسکوتر ساختاری پژوهش

کای اسکوتر	درجه آزادی	کای دو/درجه آزادی
۱۵۲۴۱/۳۵	۳۶۲	۲/۹۵

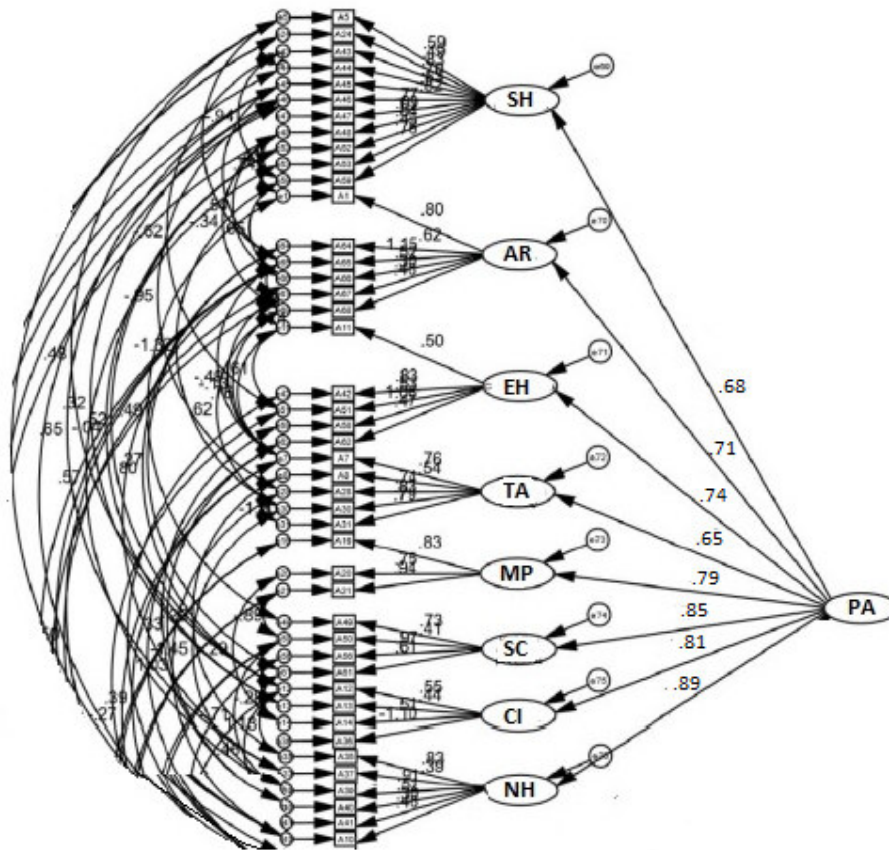
جدول ۸: شاخص‌های برازش مدل نهایی

شاخص‌های برازش	معیارهای برازش	مدل نهایی برازش	برازش نهایی
SRMR	< 0.05	۰/۴۱۲	بله
CFI	> 0.90	۰/۹۳	بله
RMSEA	< 0.05 (برازش خوب)؛ $0.05-0.08$ (برازش منطقی)	۰/۰۴۱	بله
NFI	> 0.90	۰/۹۵	بله
CFI	> 0.90	۰/۹۶	بله
χ^2	$p > 0.05$	۳۰۱/۹۱۲ ($p = 0.000$)	خیر
$NC(\chi^2/df)$	$1 < NC < 3$	۱/۰۲۵	بله
CN	> 200	۲۵۶	بله
AIC	مدل اشباع شده < مدل پیش فرض مدل مستقل < مدل پیش فرض	۴۵۶/۹۰۳ > ۶۰۰/۰۰۰ ۴۷۸/۹۰۲ < ۳۵۱۲/۶۵۷	بله

جدول ۹. بارهای عاملی استاندارد و غیراستاندارد مؤلفه‌های حس تعلق به مکان (ادراک-رفتار)

متغیر مستقل (ایتم)	متغیر وابسته (عامل)	ضریب برآورد شده	خطای معیار برآورد	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری	ضریب برآورد شده استاندارد
بعد شناختی	حس تعلق مکان	۱/۰۰	۰/۱۸	۵/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۶۸
بعد ارزش‌گذاری	حس تعلق مکان	۰/۹۵	۰/۱۲	۵/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۷۱
بعد احساسی	حس تعلق مکان	۰/۷۶	۰/۱۵	۵/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۷۴
بعد تفسیری	حس تعلق مکان	۰/۶۵	۰/۳۱	۶/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۶۵
بعد محیطی-کالبدی	حس تعلق مکان	۱/۰۹	۰/۱۷	۶/۹۲	۰/۰۰۱	۰/۷۹
بعد اجتماعی-فرهنگی	حس تعلق مکان	۱/۱۱	۰/۲۵	۷/۹۹	۰/۰۰۱	۰/۸۵
قابلیت محیط	حس تعلق مکان	۱/۵۳	۰/۱۲	۶/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱
نیازهای انسانی	حس تعلق مکان	۰/۶۹			۰/۰۰۱	۰/۸۹

تحلیل عاملی در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول گویه‌های مربوط به هر مؤلفه بررسی شده و میزان بار عاملی آنها محاسبه شده است. در مرحله دوم بار عاملی هر کدام از مؤلفه‌ها بر روی حس تعلق به مکان محاسبه شده است. نتایج تحلیل مدل در جدول ۹ ارائه شده است. با توجه به جدول ملاحظه می‌شود که بارهای عاملی گویه‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از ۰/۴ بوده و در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. بنابراین هیچ‌یک از گویه‌ها حذف نمی‌شود و در مدل باقی می‌مانند. بنابراین نتیجه می‌شود که ساختار عاملی مؤلفه‌های حس تعلق مکان از بعد ادراک و رفتار از پایایی و روایی سازه برخوردار هستند. همچنین تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان می‌دهد که بارهای عاملی تمام مؤلفه‌های حس تعلق به مکان بزرگ‌تر از ۰/۴ بوده و در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. نیازهای انسانی با بار عاملی ۰/۸۹ بیشترین تأثیر را در حس تعلق به مکان از بعد ادراک رفتار دارد. پس از آن به ترتیب بعد اجتماعی و فرهنگی با بار عاملی ۰/۸۵، قابلیت محیط با بار عاملی ۰/۸۱، بعد محیطی-کالبدی بار عاملی ۰/۷۹، بعد احساسی با بار عاملی ۰/۷۴، بعد ارزش‌گذاری با بار عاملی ۰/۷۱، بعد شناختی با بار عاملی ۰/۶۸ و بعد تفسیری با بار عاملی ۰/۶۵ قرار دارند (جدول ۹ و شکل ۳)



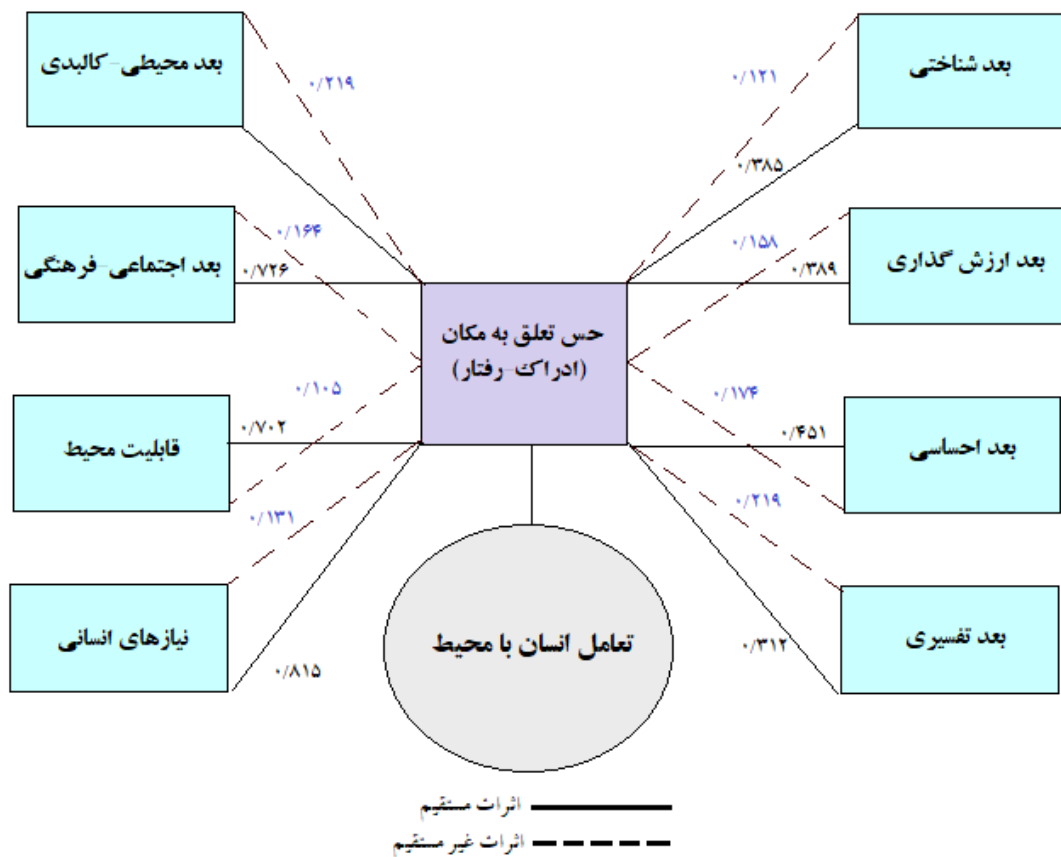
شکل ۴. روابط علی استاندارد شده مدل نهایی پژوهش

جدول ۱۰. اثرات معنادار مستقیم و غیر مستقیم بر متغیرهای تحقیق

اثرات بر حس تعلق به مکان			تأثیرات استاندارد شده			وزن رگرسیون (مستقیم)	
جمع اثرات	اثر مستقیم	غیر مستقیم	تخمین	C.R.	p		
۰/۴۷۹	۰/۳۵۸	۰/۱۲۱	۰/۳۸۲	۷/۳۵	<۰.۰۱	بعد شناختی	
۰/۵۴۷	۰/۳۸۹	۰/۱۵۸	۰/۳۵۲	۶/۱۱	<۰.۰۱	بعد ارزش‌گذاری	
۰/۶۲۵	۰/۴۵۱	۰/۱۷۴	۰/۴۲۷	۹/۶۱	<۰.۰۱	بعد احساسی	
۰/۵۳۱	۰/۳۱۲	۰/۲۱۹	۰/۲۲۹	۱۵/۳۸	<۰.۰۱	بعد تفسیری	
۰/۷۹۸	۰/۶۳۴	۰/۱۶۴	۰/۳۰۳	۴/۴۱	<۰.۰۱	بعد محیطی-کالبدی	
۰/۸۸۹	۰/۷۲۶	۰/۱۶۳	۰/۳۱۵	۸/۷۹	<۰.۰۱	بعد اجتماعی-فرهنگی	
۰/۸۰۷	۰/۷۰۲	۰/۱۰۵	۰/۴۰۴	۱۳/۵۲	<۰.۰۱	قابلیت محیط	
۰/۹۴۶	۰/۸۱۵	۰/۱۳۱	۰/۴۱۱	۹/۰۷	<۰.۰۱	نیازهای انسانی	

شکل ۴ روابط علی استاندارد شده مدل نهایی را نشان داده و جدول (۱۰) و شکل (۵) ساختار نهایی مدل را با اثرات تأثیرگذاری مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که در مدل ساختاری نهایی مؤلفه نیازهای انسانی با اثر مستقیم ۰/۸۱۵ و غیر مستقیم ۰/۱۳۱ بیشترین اثرگذاری در ایجاد حس تعلق

به مکان در تعامل انسان و محیط داشته است و بعد آن بترتیب بعد اجتماعی فرهنگی با اثر مستقیم $0/726$ و غیر مستقیم $0/163$ ، قابلیت محیط با اثر مستقیم $0/702$ و غیر مستقیم $0/105$ ، بعد محیطی کالبدی اثر مستقیم $0/634$ و غیر مستقیم $0/164$ ، بعد احساسی با اثر مستقیم $0/451$ و غیر مستقیم $0/174$ ، بعد ارزش گذاری با اثر مستقیم $0/389$ و غیر مستقیم $0/158$ و درنهایت بعد تفسیری با اثر مستقیم $0/312$ و غیر مستقیم $0/219$ در ایجاد حس تعلق به مکان از نظر ادراک و رفتار در تعامل بین انسان و محیط در مجتمع مسکونی مسکن مهر مکران مهاباد اثرگذار بوده‌اند.



شکل ۵. اثرات مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذاری مؤلفه‌ها در شکل‌گیری حس تعلق به مکان در تعامل انسان با محیط

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج، انسان و مکان دارای شاخصه‌های همانندی نظیر خاطره و هویت هستند. انسان می‌تواند هویت‌پرداز یک مکان باشد و مکان می‌تواند دارای یک هویت انسان‌ساز باشد و این دو لازم و ملزوم هم هستند. انسان برای اینکه خود را بهتر بشناسد، نیاز به شناخت محیط اطراف خود دارد و این در صورتی است که به محیطش تعلق و دلبستگی داشته باشد. مکان زمانی شکل می‌گیرد که انسان با تمام احساس و ادراک خود روح و معنای آن را دریابد. مکان با ساختار فیزیکی و فعالیتی که در آن رخ می‌دهد، تعریف مادی می‌یابد و با شکل‌گرفتن تصویر

و تعلق آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح پیدا می‌کند. با توجه به یافته‌های تحقیق، رضایت و لذت تجربه‌شده به وسیله بازدیدکنندگان در مدت ماندن آن‌ها، اثر معناداری بر وفاداری آن‌ها به‌عنوان بازدیدکننده می‌گذارد. عواملی که ایجاد حس رضایت کرده است، ابتدا وجود دلبستگی مکانی و بعد از آن کیفیت محیطی است که می‌توان بیان کرد وجود دلبستگی مکانی یک عامل مهم مانند کیفیت محیطی در ایجاد حس رضایت است؛ و هرچقدر تعامل انسان با محیط اطرافش بیشتر شود به همان اندازه هم حس تعلق به مکان بیشتر می‌شود؛ و با توجه به یافته‌های تحقیق نتایج نشان داد که نیازهای انسانی بیشترین تأثیرات را در ایجاد حس تعلق به مکان با تأثیر از ادراک و رفتار در تعامل انسان با محیط دارد و کمترین اثرگذاری هم مربوط به بعد تفسیری است. در نتیجه همه ابعاد مورد بررسی شده دارای تأثیرات در شکل‌گیری حس مکان در تعامل انسان با محیط خویش است؛ بنابراین برای ایجاد حس تعلق در مسکن مهر و بخصوص مسکن مهر مکریان مهاباد که برای اقشار کم‌درآمد جامعه در نظر گرفته شده است دارای مشکلات اجتماعی-فرهنگی، امنیتی، معنایی، زیبایی بصری، هویتی، کالبدی، زیست‌محیطی و عملکردی غیره می‌باشد، باید به تعامل انسان با محیط خویش توجه خصوصی شود و همه مؤلفه‌ها اولویت‌بندی شده و بر اساس آن باعث ایجاد و تحکیم حس تعلق به مکان شد که خود منجر به ارتقا کیفیت محیطی و زندگی می‌شود.

References:

- [1]. Relph, E. (1976), *Place and Place lessness?* Pion: London, UK.
- [2]. Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical World Socialization of the Self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
- [4]. Aliani N., Samanian p., (2021), the sense of place in real and virtual space and its role in the meaning and experience of the work of art, *Journal of Fine Arts - Visual Arts*, 26 (2), 71-79.
- [3]. Alexander C. D & Joshua H, (2021), The Power of Place in Place Attachment, *Geographical Review*, 112(1), 1-15. <https://doi.org/10.1080/00167428.2021.1884983>.
- [5]. B. Bynum B; Marianna S; Emily Pauline Y; Manuel Alector R; Kayode D. A; Kyle Maurice W; Benjamin Prangle M; (2021). Measuring place attachment with the Abbreviated Place Attachment Scale (APAS). *Journal of Environmental Psychology*, 74, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2021.101577>.
- [6]. Di Masso, A., Williams, D. R., Raymond, C. M., Buchecker, M., Degenhardt, B., Devine-Wright, P., et al. (2019). Between fixities and flows: Navigating place attachments in an increasingly mobile world. *Journal of Environmental Psychology*, 61, 125-133.
- [7]. Sebastien, L, (2020). The power of place in understanding place attachments and meanings. *Geoforum*, 108, 1-13, S0016718519303100, <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2019.11.001>.

- [8]. Woosnam, K. M., Aleshinloye, K. D., Ribeiro, M. A., Styliadis, D., Jiang, J., & Erul, E. (2018). Social determinants of place attachment at a world heritage site. *Tourism Management*, 67, 139-146.
- [9]. Turkmen, S, Soheili, J. (2021). Analysis of the effect of the concept of intermediate in promoting the sense of belonging to the place in the mosque-schools of the Qajar period (Case study: Mosque-school Salehieh in Qazvin). *Environmental Science and Technology*, 23 (2 (105)), 219-231.
- [10]. Mirza Mohammadi, A., Baqerzadeh Kathiri, Sh., Zinali Azim, A. (2020). Analysis of design and architecture of sustainable residential complex with emphasis on environmental psychology in terms of sense of place (Case study: Tabriz Sky Towers). *Architectural Thought*, 4 (8), 105-119. [11]. Rahimi, R.; Ansari, M, Bemanian, M; Mahdavi Nejad, M., (2020), The Relationship between Sense of Belonging to Place and Participation in Promoting the Social Capital of Informal Settlements (Case Study: Sari Quarter), *Sustainable Architecture and Urban Planning*, 8 (1), 15-30. [12]. Hatami Khaneghahi, T, Vaziri, V, Salmanian, B, Tajeddini, N. (2020). Comparison of effective factors on the sense of belonging to a place in new and old neighborhoods of Ardabil. *Urban Studies*, 9 (34), 17-28.
- [13]. Soltani, Y, Faizi, M, Flamaki, M, Mahmoudi Zarandi, M, (2019). Explaining the housing design pattern, based on objective criteria of the sense of belonging to the place from the perspective of users and designers (Case study: Kermanshah). *Environmental Studies Seven Fences (Seven Fences)*, 8(30), 5-16.
- [14]. DeNardi, A, (2017), Landscape and sense of belonging to place: the relationship with everyday places in the experience of some migrants living in Montebelluna (Northeastern Italy), *Journal of Research and Didactics in Geography (J-READING)*, 1(6), 61-72.
- [15]. Dazkir, S. S, (2018), Place Meaning, Sense of Belonging, and Personalization Among University Students in Turkey, *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 46(3), 252-266.
- [16]. Kian Tan, S, Hooi Tan, S, Sin Kok, Y, Wei Choon, Sh, (2018), Sense of place and sustainability of intangible cultural heritage e the case of George Town and Melaka, *Tourism Management*, 67, 376-387.
- [17]. Liu, Z, Zhang, Y, Zheng, Y, Lan, J, Zhang, G, (2109), Sense of belonging and social identity on the settlement intentions of rural-urban migrants: evidence from China, *Ciência Rural*, 49(8), 1-12, <http://dx.doi.org/10.1590/0103-8478cr20190979>.
- [18]. Tursić M, (2019) The city as an aesthetic space, *City*, 23(2), 205-221, doi:10.1080/13604813.2019.1615762.

- [19]. Rezaei, H., Keramati, G., Dehbashi Sharif, M., Nasir Salami, M. (2018). Paradigmatic explanation of the psychological process of obtaining environmental meaning and the realization of a sense of place with a focus on the mediating role of perception. *Garden of Nazar*, 15 (65) 49-66. [20]. Barati, N., Soleimannejad, M. (2011), Perception of stimuli in a controlled environment and the effect of gender on it (Study sample: Students of the Faculty of Architecture and Urban Planning, Imam Khomeini International University), *Bagh-e Nazar*, 17, 19-30. [21]. Khandan, P, Rezaei, H. (2020), Investigation and analysis of how physical factors adapt to the perceptual-cognitive dimensions of the sense of place from a socio-cultural perspective, case study: public spaces of Kermanshah. *Journal of Armanshahr Architecture and Urban Planning*, 13 (33), 1-19.
- [22]. Rapoport, A. (1990). *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach*. Tucson: University of Arizona Press.
- [23]. Kalali, P, (2015). Meaningful perception of place: The most effective dimensions and factors. *URBAN DESIGN International*, 20(3), 222–240. doi:10.1057/udi.2015.10.
- [24]. Malle, B. F. (2019). How many dimensions of mind perception really are there? In A. K. Goel, C. M. Seifert, & C. Freksa (Eds.), *Proceedings of the 41st Annual Meeting of the Cognitive Science Society* (pp. 2268-2274). Montreal, QB: Cognitive Science Society.
- [25]. Kim, N-G, (2017). A Binocular Information Source for Size Perception. *Frontiers in Psychology*, 8, 2078. doi:10.3389/fpsyg.2017.02078.
- [26]. Daneshgar Moghadam, G, Islamipour, M, (2011), Analysis of Environmental Capability Theory from Gibson's perspective and its feedback in studies of man and man-made environment, *Armanshahr architecture and urban planning*, 9, 73-86.
- [27]. Albertini, E. (2021), What are the environmental capabilities, as components of the sustainable intellectual capital, that matter to the CEOs of European companies?", *Journal of Intellectual Capital*, 22(5). 918-937. <https://doi.org/10.1108/JIC-06-2020-0215>.
- [28]. Dumay, J. (2016), A critical reflection on the future of intellectual capital: from reporting to disclosure, *Journal of Intellectual Capital*, 17(1), 168-184, doi: 10.1108/JIC-08-2015-0072.
- [29]. Liu, Z., Zhang, Y., Zheng, Y., Lan, J., & Zhang, G. (2019). Sense of belonging and social identity on the settlement intentions of rural-urban migrants: evidence from China. *Ciência Rural*, 49(8), 1-12.
- [30]. Su, W. S., Hsu, C. C., Huang, C. H., & Chang, L. F. (2018). Setting attributes and revisit intention as mediated by place attachment. *Social Behavior and Personality*, 46(12), 1967-1981.
- [31]. Yazdani, M.; Alipour, E, Mahmoudi, A. (2019). Study and analysis of the identity of urban neighborhoods with emphasis on the sense of belonging to the place (Case study: thirteen neighborhoods on the outskirts of Ardabil). *Sociology of Social Institutions*, 6(14), 9-39.

- [32]. Khabiri, S., Pourjafar, M., Izadi, M. (2020). Explaining the nature of attachment to the Iranian-Islamic neighborhood: A qualitative study of the optional neighborhood. *Islamic Iranian city studies*, 11 (42), 67-80.
- [33]. Pourjafar, M, Izadi, M, Khabiri, S. (2015). Spatial attachment; Recognize the concept, principles and criteria. *City Identity*, 9 (24), 43-64.
- [34]. Tsaur, S. H., Wang, Y. C., Liu, C. R., & Huang, W. S. (2019). Festival attachment: Antecedents and effects on place attachment and place loyalty. *International Journal of Event and Festival Management*, 10(1), 17-33.
- [35]. Madgin, R., Bradley, L., & Hastings, A. (2016). Connecting physical and social dimensions of place attachment: What can we learn from attachment to urban recreational spaces?. *J Hous and the Built Environ*, 31, 677-693.
- [36]. Pour Mohammad, Sh; Shojaei S., Khalilabad Police Station, H.; Pious, M; (2022), Analysis of the cognitive effect of vitality factor on the sense of belonging of the inhabitants of urban neighborhoods (Case study: Shiraz neighborhoods), *Sustainable architecture and urban planning*, 10 (1), 181-196.
- [37]. Nejad Ebrahimi, A., Sheikh Al-Hakmaei M. (2021), the effect of hierarchy sequence in creating a sense of belonging to the place of Tabriz mosques. *Islamic Architecture Research*.9 (4): 75-59
- [38]. Collins-Kreiner, N, (2020). Hiking, Sense of Place, and Place Attachment in the Age of Globalization and Digitization: The Israeli Case. *Sustainability*, 12(11), 4548. doi:10.3390/su12114548.
- [39]. Mirza Hossein, S.; Zaker Haghighi, K., Ahmadi, M., (2021), Viability assessment based on variables of sense of belonging to the place (Case study of Tehran metropolitan area 1), *Geographical Research of Urban Planning*, 9 (2), 361-385.
- [40]. Ariccio, S, Lema-Blanco, I, Bonaiuto, M, (2021) Place attachment satisfies psychological needs in the context of environmental risk coping: Experimental evidence of a link between self-determination theory and person-place relationship effects, *Journal of Environmental Psychology*, 78, <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2021.101716>.
- [41]. Paniotova-Maczka D, Matczak P and Jabkowski P (2021) Place Attachment and Views on Tree Management. *Front. Psychol.* 12:639830. doi:10.3389/fpsyg.2021.639830.
- [42]. Chappell, E. N., Parkins, J. R., and Sherren, K. (2020). Climax thinking, place attachment, and utilitarian landscapes: implications for wind energy development. *Landscape Urban Plann.* 199, 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2020.103802>.
- [43]. Maroufi, S., Bayazidi, A. (2021). Evaluation and analysis of factors affecting the performance improvement of urban parks (case study of Mahabad city family park). *Environmental Science and Technology*, 23 (1 (104)), 77-92.

Analysis of human interaction with the environment in terms of the effects of perception and behavior on the Place attachment (case study of Mehr Mokrian Housing Complex in Mahabad)¹

Shahrokh Hesami¹, Abbas Sedaghati*², Solmaz Babazadeh Oskouei³, Assadollah Shafizade⁴

PhD Student of Architecture, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

Assistant Professor, Department of Architecture, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

*Responsible author a.sedaghati@iaurmia.ac.ir

Assistant Professor of Architecture, Oskou Branch, Islamic Azad University, Oskou, Iran.

Assistant Professor of Architecture, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

Received: [2022/5/30]

Accepted: [2022/6/2]

Abstract

Problem statement: Sense of place means people's mental perception of the environment and their more or less conscious feelings of their environment, which puts a person in an internal relationship with the environment, so that the understanding and feeling of the person is linked to the semantic context of the environment. Will be integrated. This sense is the factor that turns a space into a place with special sensory and behavioral characteristics for special people. The environment is made up of both physical and social aspects. Humans create places around them, and a place independent of humans has no meaning.

Aim: To analyze human interaction with the environment in terms of the effects of perception and behavior on the sense of belonging to a place in Mehr housing complexes.

Methods: The present study is descriptive-analytical in nature and the statistical population of the study is the residents of Mehr Mokrian Housing Complex in Mahabad. For data analysis, structural equations were used by second-order factor analysis with Amos software.

Results: The results showed that human needs have the greatest effect on creating a sense of place with 0.946 with the effect of perception and behavior in human interaction with the environment and the least effect is related to the interpretive dimension with a collective effect of 0.531 Be.

Conclusion: All the dimensions studied in the present study have an effect on creating a sense of place in human interaction with their environment.

Keywords: Environment urban, Perception of attachment to the city, Mehr housing, Mahabad

¹ This article is an excerpt from Shahrokh Hesami's doctoral dissertation entitled " Analysis of human interaction with the environment in terms of the effects of perception and behavior on the Place attachment (case study of Mehr Mokrian Housing Complex in Mahabad) " under the guidance of Dr. Abbas Sedaghati And under the advice of Dr. Solmaz Babazadeh Oskoui and Dr. Assadollah Shafizadeh.